

**جهت تهیه این کتاب می‌توانید با شماره
تلفن‌های ذیل تماس حاصل نمایید.**

۰۲۵-۳۷۷۴۹۲۷۴

۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰

**همچنین می‌توانید در شبکه‌های
اجتماعی ایتا و تلگرام با شماره فوق
سفارش خود را ثبت فرمایید.**

■ کانال ایتا: [nashrehoghoghepoya](#)

■ کانال تلگرام: [hoghoghepoyapub](#)

■ کانال پیام رسان بله: [pooya_law](#)

■ کانال پیام رسان سروش: [pooyalaw](#)

■ فروشگاه اینترنتی: [www.hpbook.ir](#)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دستیار دادگاه حقوقی

جلد پانزدهم

مبحث و اخواهی تجدید نظر خواهی

احمد قاسمی

(رئیس شعبه دادگاه تجدید نظر استان همدان)

مجید عطایی جنتی

(رئیس شعبه دادگاه عمومی حقوقی)

دکتر فاطمه واحدی کبیری

(قاضی دادگستری و مدرس دانشگاه)

نشر حقوق پویا

فهرست مطالب

مقدمه ۸

فصل اول: واخواهی ۹

- مبحث اول - عدولی بودن واخواهی ۱۰
- مبحث دوم - تجدید نظر خواهی در زمانی که محکوم علیه حق واخواهی دارد ۱۲
- مبحث سوم - عدم پرداخت هزینه دادرسی مرحله واخواهی و صدور قرار رد دادخواست توسط قاضی یا مدیر دفتر ۱۷
- مبحث چهارم - واخواهی نمودن و خواه با لایحه بدون تقدیم دادخواست واخواهی ظرف مهلت قانونی ۱۹
- مبحث پنجم - استرداد دعوا در مرحله واخواهی توسط خواننده ۲۱
- مبحث ششم - واخواهی ورثه به حکم صادره در صورت فوت محکوم علیه ۲۳
- مبحث هفتم - تقدیم دادخواست واخواهی خارج از مهلت واخواهی و داخل در مهلت تجدید نظر خواهی ۲۵
- مبحث هشتم - اعتراض به بهای خواسته و اصالت اسناد خواننده توسط خواه ۲۷
- مبحث نهم - طرح دعوای تقابل توسط خواه ۲۸
- مبحث دهم - طرح دعوای جلب ثالث توسط خواه ۳۱
- مبحث یازدهم - واخواهی خواه و عدم اعتبار سوگند خواهان در مرحله بدوی به علت عدم حضور خواننده ۳۲
- مبحث دوازدهم - محدوده رسیدگی دادگاه در مرحله واخواهی ۳۴
- مبحث سیزدهم - مشخص شدن ناقص بودن دادخواست بدوی در مرحله واخواهی ۳۶
- مبحث چهاردهم - دعوای اعسار از هزینه ی دادرسی در مرحله ی واخواهی و فوت خواه ۳۸

مبحث پانزدهم - پرداخت هزینه ی دادرسی از سوی واخوانده به منظور تسریع در رسیدگی	۳۹
مبحث شانزدهم - واخواهی برخی از محکوم علیهم نسبت به حکم غیابی	۴۱
مبحث هفدهم - فسخ حکم واخواسته و خسارات دادرسی در مرحله واخواهی	۴۳
مبحث هجدهم - واخواهی محکوم علیه مجلوب توام با درخواست اعسار از هزینه دادرسی مرحله واخواهی	۴۴

فصل دوم: تجدیدنظر خواهی..... ۴۶

مبحث اول - مهلت در خواست تجدیدنظر	۴۷
مبحث دوم - ابتدای مهلت تجدیدنظر خواهی ابلاغ رای به وکیل	۴۸
مبحث سوم - تجدید نظر خواهی خارج از مهلت	۵۱
مبحث چهارم - پرداخت یا عدم پرداخت هزینه دادرسی در قرار رد دادخواست تجدید نظر خواهی.....	۵۴
مبحث پنجم - تقدیم دادخواست تجدیدنظر خواهی خارج از مهلت با ذکر علت تاخیر	۵۵
مبحث ششم - نحوه اعتراض به قرار رد دادخواست موضوع تبصره دو ماده ۳۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی	۵۸
مبحث هفتم - شرایط قانونی دادخواست تجدید نظر	۵۹
گفتار اول - نقص بی نیاز از صدور اخطاریه رفع نقص	۶۰
گفتار دوم - نواقص مستلزم صدور اخطاریه رفع نقص	۶۱
مبحث هشتم - دعوی طاری در مرحله ی تجدیدنظر	۷۶
مبحث نهم - ادعای دلیل جدید در مرحله ی تجدیدنظر	۷۶
مبحث دهم - محدوده رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر	۷۶
مبحث یازدهم - رسیدگی ماهیتی در دادگاه تجدیدنظر	۷۶
مبحث دوازدهم - لزوم یا عدم لزوم تشکیل جلسه دادرسی در مرحله ی تجدیدنظر	۷۷
مبحث سیزدهم - جهات درخواست تجدیدنظر	۷۷
مبحث چهاردهم - تصمیمات دادگاه تجدیدنظر نسبت به دادخواست کامل ...	۷۷
گفتار اول - اصلاح رای توسط دادگاه تجدیدنظر	۷۸

گفتار دوم - نقض رای و ارسال پرونده به مرجع صالح	۷۸
گفتار سوم - نقض قرار توسط دادگاه تجدیدنظر	۷۸
گفتار چهارم - نقض و تایید قرار در دادگاه تجدیدنظر	۷۸
گفتار پنجم - نقض رای بدوی یا تایید آن در مرحله ی تجدیدنظر	۷۸
مبحث پانزدهم - استرداد دادخواست تجدیدنظر	۷۹
مبحث شانزدهم - صدور حکم غیابی در مرحله ی تجدیدنظر	۷۹
مبحث هفدهم - ذی نفع بودن تجدیدنظر خواه	۷۹
مبحث هجدهم - طرح همزمان تجدیدنظر خواهی و فرجام خواهی از رای	۷۹
واحد	۸۰

فصل سوم: نمونه آراء کاربردی ۸۲

مبحث اول - نمونه قرار رد شکلی و خواهی	۸۳
مبحث دوم - نمونه رای رد ماهیتی و خواهی	۸۳
مبحث سوم - نمونه قرار و خواهی از دستور دادگاه جهت صدور اجرائیه چک	۸۳
.....	۸۵
مبحث چهارم - نمونه قرار خارج از مهلت و خواهی از دادنامه خیلی قدیمی؛	۸۵
عدم پذیرش	۸۷
مبحث پنجم - نمونه قرار و خواهی خارج از مهلت	۸۸
مبحث ششم - نمونه قرار و خواهی خارج از مهلت و دادنامه خیلی قدیمی	۸۹
مبحث هفتم - نمونه قرار و خواهی و نقض دادنامه و خواسته و صدور گزارش	۸۹
اصلاحی	۹۰
مبحث هشتم - نمونه قرار و خواهی؛ عدم پذیرش ناشی از مقررات شهرداری	۹۱
مبحث نهم - نمونه قرار رد دادخواست و خواهی به علت خارج از مهلت بودن	۹۳
مبحث دهم - نمونه قرار رد و خواهی به علت حضوری بودن رای	۹۴
مبحث یازدهم - نمونه قرار قبول و خواهی به علت عدم اطلاع و خواه از رای	۹۴
بدوی	۹۵
مبحث دوازدهم - نمونه قرار صدور قبولی و خواهی	۹۵
مبحث سیزدهم - نمونه فرم رد و خواهی و تایید رای بدوی	۹۶

- مبحث چهاردهم - نمونه قرار رد دادخواست و خواهی به علت عدم پرداخت هزینه دادرسی ۹۶
- مبحث پانزدهم - نمونه رای فسخ دادنامه و خواهی به استناد سوگند ۹۸
- مبحث شانزدهم - نمونه فرم تلقی و خواهی به تجدیدنظر خواهی ۹۹
- مبحث هفدهم - نمونه قرار ابطال دادخواست به استناد ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی در مرحله و خواهی ۱۰۰
- مبحث هجدهم - نمونه قرار عدم استماع به علت تقدیم دادخواست و خواهی نسبت به قرار ۱۰۱
- مبحث نوزدهم - نمونه قرار رد دعوا به علت رضایت در مرحله و خواهی ۱۰۲
- مبحث بیستم - اصلاح رای توسط دادگاه تجدیدنظر ۱۰۲
- مبحث بیست و یکم - نمونه قرار رد دادخواست تجدیدنظر خواهی به علت خارج از مهلت بودن ۱۰۳
- مبحث بیست و دوم - نمونه قرار رد دادخواست تجدیدنظر خواهی به علت عدم پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر ۱۰۴
- مبحث بیست و سوم: نمونه رای: قرار توقف تجدیدنظر خواهی بلحاظ عدم تودیع دستمزد کارشناس ۱۰۵
- مبحث بیست و چهارم: نمونه رای: صدور قرار رد تجدیدنظر خواهی بلحاظ ذی سمت نبودن تجدیدنظر خواه در تجدیدنظر خواهی ۱۰۶
- مبحث بیست و پنجم: نمونه رای: عیناً تأیید رای بدوی بدون اضافه کردن اسباب توجیهی دیگر از سوی دادگاه تجدیدنظر ۱۰۹
- مبحث بیست و ششم: نمونه رای: در خصوص اینکه عدم قید رقم حق الوکاله از موجبات ارسال اخطار رفع نقص است و نه صدور قرار رد دعوی ۱۱۰
- مبحث بیست و هفتم: نمونه رای در خصوص داشتن مهلت ده روز برای پرداخت هزینه دادرسی پس از قطعیت دادنامه بدوی اعسار و اخطار رفع نقص اول (بدون نیاز به ارسال اخطار رفع نقص دوم) ۱۱۴
- مبحث بیست و هشتم: نمونه: تأیید رای در منطوق و نتیجه ۱۱۸
- مبحث بیست و نهم: نمونه: صدور قرار رد تجدیدنظر خواهی بلحاظ خارج از مهلت بودن مقدم بر ارسال اخطار رفع نقص جهت پرداخت هزینه دادرسی می باشد ۱۲۰

مبحث سی ام: نمونه نقض قرار تجدیدنظر خواسته و اعاده پرونده به دادگاه بدوی	
جهت رسیدگی ماهوی	۱۲۲
مبحث سی و یکم: نمونه رای: نقض رای بدوی بلحاظ اینکه خارج از خواسته	
خواهان صادر شده است.....	۱۳۱
مبحث سی و دوم: نمونه رای: قرار رد تجدیدنظر خواهی بلحاظ قابل تجدیدنظر	
نبودن دستور فروش	۱۳۵
مبحث سی و سوم: نمونه قرار رد و خواهی و خواه به جهت عدم طرح	
دادخواست و خواهی به طرفیت تمامی خواهان های بدوی	۱۳۷
مبحث سی و چهارم: قرار رد تجدیدنظر خواهی تجدیدنظر خواه به جهت عدم	
صدور رای از سوی دادگاه بدوی در قسمت مورد اعتراض	۱۴۰
مبحث سی و پنجم: نمونه قرار تأیید رای در مرحله تجدیدنظر با اصلاح	۱۴۱
مبحث سی و ششم: نمونه رای: چنانچه تمامی اشخاص ذی نفع در مرحله	
تجدیدنظر خواهی جز اشخاص تجدیدنظر خوانده قرار نگیرند قرار رد	
تجدیدنظر خواهی صادر می شود	۱۴۹
مبحث سی و هفتم: نمونه رای: تلقی حکم به قرار از سوی دادگاه تجدیدنظر و	
نقض آن و اعاده پرونده به دادگاه بدوی جهت رسیدگی ماهوی	۱۵۱
مبحث سی و هشتم: نمونه رای: حل اختلاف در صلاحیت محلی توسط دادگاه	
تجدیدنظر	۱۵۲
مبحث سی و نهم: نمونه رای: استرداد دعوی به طور کلی در مرحله تجدیدنظر از	
سوی خواهان بدوی و صدور قرار سقوط دعوی	۱۵۵
مبحث چهلم: نمونه رای: نقض قرار ابطال دادخواست بدوی بلحاظ عدم قید	
موارد اخذ توضیح در اظهاریه خواهان بدوی	۱۵۹
مبحث چهل و یکم: نمونه رای صدور قرار ابطال تجدیدنظر خواهی بلحاظ	
استرداد دادخواست تجدیدنظر خواهی	۱۶۱
مبحث چهل و دوم: نمونه رای: صدور قرار توقیف دادرسی در مرحله	
تجدیدنظر بلحاظ فوت یکی از اصحاب دعوی	۱۶۳
مبحث چهل و سوم: قرار رد تجدیدنظر خواهی به لحاظ اینکه در خواست تجدید	
نظر خواهی در فرمت دادخواست نمی باشد	۱۶۶

همان طور که در مجله‌های قبلی کتاب دستیار حقوقی اشاره شد، هنگامی که پرونده نزد مقام قضایی ارجاع گردید، اولین نکته ای که می‌بایست قاضی دقت نماید، این است که آیا به موضوع دعوی صلاحیت رسیدگی دارد یا خیر؟ و سپس در صورت صالح بودن، به مباحث دستور تعیین وقت رسیدگی و دادخواست و حقوق اصحاب دعوا تا پایان جلسه اول دادرسی و ادله اثبات دعوا در کتاب فوق الذکر اشاره گردید. همچنین به نکات صدور رای و نمونه آرای در موضوعات مختلف دعاوی حقوقی در کتاب دستیار دادگاه حقوقی به صورت مفصل پرداخته شد. حال بعد از اینکه قاضی رسیدگی کننده، رای خود را در خصوص موضوع مطروحه صادر نمود؛ ممکن است از ناحیه خواهان یا خوانده به این رای اعتراض شود که در کتب حقوقی، اقسام شکایت از رای به دو قسم تقسیم شده است: ۱- طرق عادی، که واخواهی و تجدیدنظرخواهی از این طرق هستند. ۲- طرق فوق العاده، که فرجام خواهی و اعاده دادرسی و اعتراض ثالث از این قبیل هستند، که در این مجلد به صورت مفصل به این موارد اشاره می‌شود.

فصل اول: واخواهی

هنگامی که قاضی دادگاه، دستور تعیین وقت رسیدگی را صادر نمود، ممکن است که خوانده یا خواندگان در هیچ یک از جلسات دادگاه حضور نیافته و اختطاریه به آنها نیز به صورت واقعی، ابلاغ نشده باشد و یا اینکه لایحه دفاعیه ای از ناحیه آنها واصل نشده باشد؛ در چنین صورتی اگر قاضی دادگاه حکمی، علیه خوانده صادر نماید، چنین حکمی غیابی خواهد بود، که در جلد سوم و نهم کتاب دستیار دادگاه حقوقی، به صورت مفصل به این موارد که آرای غیابی چه خصوصیتی دارد و در چه زمانی قاضی دادگاه، رای غیابی صادر می نماید و قرار توقیف عملیات اجرایی، در صورتی که قرار قبول وخواهی صادر شود، چه شرایطی می بایست قاضی دقت نماید؛ در کتاب فوق الذکر به صورت مفصل اشاره گردیده است. اما در مبحث حاضر، به مباحثی که قاضی دادگاه در رسیدگی وخواهی می بایست دقت نماید، به شرح ذیل اشاره می شود.

مبحث اول - عدولی بودن وخواهی

همان طور که بیان شد؛ روش های شکایت از رای، یا به نحو عدولی می باشد یا اصلاحی. که وخواهی از موارد روشهای عدولی بودن شکایت از رای می باشد. بدین توضیح که در صورتی که خوانده نسبت به رای، وخواهی نماید، همان شعبه صادر کننده رای، می بایست مجدداً به پرونده رسیدگی نماید، که بعد از رسیدگی ممکن است از رای که سابقاً صادر نموده است، عدول نماید. بدین توضیح که مثلاً شعبه دوم دادگاه حقوقی شهرستان سنندج، رای صادر نموده است که به صورت غیابی بوده و خوانده نسبت به این رای، وخواهی می نماید؛ در چنین صورتی مقام ارجاع، می بایست پرونده را به همان شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان سنندج ارجاع نماید و چنانچه پرونده به شعبه دیگر ارجاع گردد، آن شعبه صالح به رسیدگی نخواهد بود، مگر اینکه شعبه صادر کننده حکم غیابی منحل شده باشد، که در این فرض شعبه جایگزین به وخواهی رسیدگی خواهد کرد.

موضوع: مطالبه خسارت تأخیر تادیه در صورت ابلاغ قانونی و گذشت مدت زمان طولانی از صدور رأی
پرسش: در صورتی که رأی غیابی باشد و مدت زمان طولانی از صدور رأی گذشته و رأی بنا به دلایلی اجرا نشده (عدم پیگیری محکوم‌له یا عدم دستیابی به اموال محکوم‌علیه) سپس محکوم‌علیه واخواهی کند و قرار قبولی واخواهی صادر شود و محکوم‌علیه فقط نسبت به مبلغ خسارت تأخیر تادیه مندرج در دادنامه به دلیل عدم اطلاع واخواهی نموده (نسبت به اصل خواسته ایرادی ندارد) آیا موجبی برای نقض رأی بدوی در این خصوص می‌باشد؟^۱

نظر هیئت عالی

محکوم‌علیه غایب از تمام حقوقی که در دادرسی مبتنی بر اصل تناظر برای خوانده متصور است، مانند حق ایراد، انکار، تردید و ... برخوردار است؛ از طرفی چنانچه خسارت تأخیر تادیه موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م مدنظر باشد، با حصول شرایط سه گانه (۱- مطالبه دائن ۲- تمکن مدیون ۳- احراز امتناع مدیون از ادای دین)، به صرف غیابی بودن رأی، مجوزی برای نقض خسارت تأخیر تادیه وجود ندارد؛ زیرا از زمانی که منشأ دین به وجود آمده، خواننده مطلع بوده و موظف به پرداخت دین بوده است و لزومی ندارد از دادخواست خواهان و حکم صادر شده مطلع باشد.

نظر اکثریت

برای مطالبه خسارت در مرحله واخواهی مقدمتاً طرح سه نکته ضروری است: اولاً؛ واخواهی اثر انتقالی دارد و دادرسی می‌تواند در این خصوص ورود پیدا کند و خسارت تأخیر تادیه را کم یا زیاد کند. ثانیاً؛ حسب ماده ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی، دریافت خسارت تأخیر تادیه، نیاز به مطالبه دارد و کلمه مطالبه در ماده ۵۱۹ بر وزن مفاعله است و عرفی است و می‌بایست طرف مقابل (خواننده، محکوم‌علیه) از

۱. برگزار شده توسط استان فارس / شهر اقلید تاریخ برگزاری ۱۳۹۸/۰۶/۰۴.

درخواست خواهان برای دریافت طلب اطلاع پیدا کند تا مطالبه تحقق پیدا کند و تقدیم دادخواست طلب موضوعیت ندارد؛ بلکه طریقت دارد و می‌تواند از طریق ارسال اظهارنامه شهادت شهود و... برای مطالبه طلب اقدام کند. ثالثاً؛ ماهیت خسارت تأخیر تأدیه، خسارت است و می‌بایست علاوه بر ضرر، فعل زیان‌بار، رابطه سببیت هم محرز شود و هرگاه دائن (طلبکار) مطالبه طلب خود را چندین سال به تأخیر بیندازد، خود سبب انباشت خسارت شده است و این رابطه سببیت قطع شده و براساس قاعده اقدام خود سبب این موضوع شده است؛ نتیجه اینکه اگر دادخواست به عنوان وسیله مطالبه طلب به خواننده ابلاغ واقعی نشده باشد؛ همچنین دادنامه به ایشان ابلاغ واقعی نشده باشد؛ بنابراین چون عنصر مطالبه (اطلاع خواننده) محرز نیست باید خسارت تأخیر تأدیه را از زمان اطلاع مدیون رأی داد. پس می‌توان نتیجه گرفت که در مرحله واخواهی می‌توان آن قسمت از رأی در خصوص خسارت تأخیر تأدیه را نقض نمود.

نظر اقلیت

صرفاً نمی‌توان به خاطر غیابی بودن رأی، عدم اطلاع خواننده را محرز دانست و یا اینکه مطالبه خواهان بدوی با تقدیم دادخواست محرز می‌باشد هرچند ممکن است قبل از تقدیم دادخواست نیز اثبات کند که مطالبه نموده اما نمی‌توان استدلال کرد که عدم پیگیری در مرحله اجرا و بعد از صدور حکم دلیل بر عدم مطالبه می‌باشد، مگر اینکه سوءاستفاده از حق ثابت شود. به نظر وقتی مدیون بدهی خود را می‌پذیرد اطلاع از دین مفروض می‌باشد و نمی‌توان رأی را در خصوص خسارت تأخیر تأدیه به صرف غیابی بودن نقض کرد.

مبحث دوم – تجدید نظر خواهی در زمانی که محکوم علیه حق واخواهی دارد

اگر در مهلت واخواهی، دادخواست تجدیدنظر خواهی توسط محکوم علیه تقدیم شود، در چنین صورتی تکلیف دادگاه چیست؟ در پاسخ به این سوال سه نظر وجود دارد؛

نظر اول: همان طور که اگر دادخواست واخواهی در مهلت تجدیدنظرخواهی تقدیم شود، تجدیدنظرخواهی تلقی می‌شود، در صورتی که دادخواست تجدیدنظرخواهی در مهلت واخواهی مطرح شود، واخواهی تلقی می‌شود. (دادگا ههای تجدیدنظر طرفدار این نظریه می‌باشند) (مستفاد از مفهوم تبصره ۳ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی)

نظریه دوم: این دعوا قابلیت استماع ندارد و باید رد شود، چون این حق هنوز ایجاد نشده است (قرار عدم استماع صادر می‌شود).

نظریه سوم: حق واخواهی قابلیت اسقاط دارد و اسقاط به دو شکل امکان دارد:

۱- صراحتاً اعلام کند که حق واخواهی را ساقط کرده است.

۲- به طور ضمنی این حق ساقط شود و قرینه ای برای اسقاط حق واخواهی وجود داشته باشد. لذا محکوم علیه با تجدید نظر خواهی خود در مهلت واخواهی، در واقع می‌خواهد از حق واخواهی خود صرف نظر نماید. بنابراین دادخواست تجدیدنظر خواهی او پذیرفته می‌شود. هر چند در اینگونه موارد بهتر است در دادخواست صراحتاً به اسقاط حق واخواهی تصریح شود. بنابراین شخصی که در مهلت واخواهی، دادخواست تجدیدنظرخواهی تقدیم کند، مفهومی این است حق واخواهی خودش را ساقط کرده و تجدیدنظرخواهی را اعمال نموده است و ما موظفیم این دادخواست را تجدید نظر خواهی تلقی کنیم. نظریه سوم بر سایر نظریه‌ها ترجیح دارد و قابل دفاع است (غلامرضا موحدیان آیین دادرسی و اجرای احکام مدنی چاپ دوم انتشارات فکر سازان صفحه ۱۹۱-۱۹۲). در این خصوص به نظریه مشورتی و نشست قضایی به شرح ذیل اشاره می‌شود.

موضوع: تجدیدنظر خواهی در زمانی که محکوم علیه حق واخواهی دارد
پرسش: آیا محکوم علیه حکم غیابی حق دارد که در مهلت واخواهی تقاضای
تجدیدنظر کند یا باید بدو تقاضای واخواهی کرده پس از آن تقاضای
تجدیدنظر خواهی کند؟^۱

نظر هیئت عالی

همان طوری که در نظر اول استدلال شده، در امور حقوقی به لحاظ اینکه
واخواهی و اعتراض به حکم غیابی، حق انحصاری و اختصاصی محکوم علیه غایب
است، چنانچه خواه با بررسی قضیه به هر علت حق اعتراض و واخواهی خود
را کتباً و صراحتاً اسقاط نماید، محکوم علیه غایب می‌تواند با اعتراض از
واخواهی، درخواست تجدیدنظر نماید.

نظر اتفاقی

نظر اول: اگر محکوم علیه در مهلت واخواهی صراحتاً حق واخواهی خود را
ساقط کند می‌تواند تقاضای تجدیدنظر کند در غیر این صورت، چنانچه به طور
کلی به رأی صادره اعتراض شود، این اعتراض واخواهی تلقی شده و باید در دادگاه
صادرکننده رأی بدوی به آن رسیدگی شود. دلیل آن این است که واخواهی حق
محکوم علیه غایب است و هر صاحب حقی می‌تواند آن را از خود ساقط کند.
بنابراین، در صورت اسقاط حق از سوی محکوم علیه نمی‌توان او را به واخواهی
از حکم مکلف کرد. نظر دوم: واخواهی از قواعد آمره است. بنابراین، در مهلت
واخواهی محکوم علیه فقط حق واخواهی دارد. در صورتی که وی بخواهد
درخواست تجدیدنظر کند، باید مهلت واخواهی سپری شده و در تجدیدنظر وی
می‌تواند از رأی صادره تجدیدنظرخواهی نماید؛ چون حق واخواهی یک حق دو
سویه است لذا همانطوری که در مورد اسقاط حق تجدیدنظر در ماده ۳۳۳ قانون

۱. برگزار شده توسط استان فارس / شهر شیراز تاریخ برگزاری ۱۳۸۰/۸/۲۸.

آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی آمده است، اسقاط حق واخواهی باید با توافق طرفین باشد و محکوم علیه به تنهایی نمی تواند آن را ساقط کند.

تاریخ نظریه: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸ شماره نظریه: ۱۳۱۴/۱۴۰۰/۷ شماره پرونده: ۱۴۰۰-

ح ۱۲۷-۱۳۱۴

چنانچه محکوم له در مهلت واخواهی محکوم علیه از حکم صادره تجدید نظرخواهی نماید، تکلیف مرجع بدوی و تجدید نظر چیست؟

پاسخ:

در فرضی که محکوم له در مهلت واخواهی محکوم علیه نسبت به حکم صادره تجدید نظرخواهی کند، مرجع بدوی مکلف است تا سپری شدن مهلت واخواهی و تجدید نظرخواهی محکوم علیه، پرونده را نگه دارد و چنانچه تا انقضای مهلت واخواهی دادخواست واخواهی تقدیم نشود، به دفتر دستور تکمیل و تبادل لوایح تجدید نظرخواهی و ارسال پرونده نزد دادگاه تجدید نظر را صادر کند؛ اما چنانچه پیش از سپری شدن مهلت واخواهی، دادخواست واخواهی تقدیم شود، دادگاه بدوی ابتدا با تعیین وقت رسیدگی نسبت به آن رسیدگی و رأی مقتضی صادر و پس از انقضای مهلت تجدید نظرخواهی طرفین به رأی اخیر، پرونده تجدید نظرخواهی محکوم له را پس از تکمیل نزد دادگاه تجدید نظر ارسال می کند و تا پیش از انقضای مهلت واخواهی و تجدید نظرخواهی محکوم علیه نسبت به دادنامه نخست و نیز قبل از انقضای مهلت تجدید نظرخواهی محکوم علیه به رأیی که در مقام رسیدگی به واخواهی صادر می شود، دادگاه بدوی مجاز به ارسال دادخواست تجدید نظرخواهی محکوم له به حکم صادره نخستین دادگاه تجدید نظر نیست و در تمامی فروض مذکور تا پیش از ارسال پرونده به دادگاه تجدید نظر، مرجع اخیر مواجه با تکلیفی نیست.

عنوان: تجدیدنظرخواهی در مهلت و اخواهی

تجدیدنظرخواهی در مهلت و اخواهی، و اخواهی تلقی شده و جهت رسیدگی به شعبه بدوی اعاده می گردد.

شماره دادنامه قطعی: ۹۵۰۹۹۸۲۶۴۳۰۰۱۰۳ تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵

رئیس شعبه ۳۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار شعبه ۳۴ دادگاه تجدید نظر

استان تهران

محمد تقی سلیمی - سید علی اصغر کمالی

چنانچه محکوم علیه غایب حق و اخواهی خویش را ساقط نکرده باشد، تجدیدنظرخواهی در مهلت و اخواهی، و اخواهی تلقی می گردد و پرونده توسط دادگاه تجدیدنظر به دادگاه نخستین ارسال می شود.

شماره دادنامه قطعی ۹۴۰۹۹۸۰۲۰۴۲۰۰۷۸۲ تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۵/۰۸/۲۹

شعبه ۴۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - رئیس و مستشار محمدسعیدظاهری -

بهزاد کامجو

عنوان: تجدیدنظرخواهی از رای غیابی قبل از انقضای مهلت و اخواهی

تجدید نظر خواهی از رأی غیابی بدون اسقاط حق و اخواهی و قبل از انقضای مهلت، و اخواهی تلقی شده و جهت رسیدگی به دادگاه بدوی اعاده می گردد.

شماره دادنامه قطعی: ۹۴۰۹۹۸۰۲۴۵۷۰۰۳۷۸ تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۵/۰۶/۳۱

شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - رئیس و مستشار اسدالله مسعودی مقام -

محمدحسن خدایی

عنوان: تجدید نظر خواهی در مهلت و اخواهی

تجدیدنظرخواهی در مهلت و اخواهی از رای غیابی، و اخواهی تلقی شده و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه بدوی اعاده می شود.

شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۸۲۶۶۰۷۰۱۰۵۲ تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۴/۰۸/۲۴

شعبه ۲۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - رئیس و مستشاران حسین مرادی هرنندی

- روحانی - محمد باقر غفاری

مبحث سوم - عدم پرداخت هزینه دادرسی مرحله واخواهی و صدور قرار رد دادخواست توسط قاضی یا مدیر دفتر

در دادخواست واخواهی، مانند دیگر دعاوی، واخواه می‌بایست هزینه دادرسی را پرداخت نماید. حال اگر واخواه، هزینه دادرسی را پرداخت نکرده یا به صورت ناقص پرداخت نموده باشد و دفتر شعبه، طی اخطاریه ای به ایشان ابلاغ نموده باشد که ظرف مهلت ده روز هزینه دادرسی را پرداخت نماید. اگر واخواه در این خصوص اقدامی ننماید، می‌بایست قرار رد دادخواست صادر شود. حال این سوال مطرح می‌گردد که قرار رد دادخواست را، قاضی دادگاه می‌بایست صادر نماید یا مدیر دفتر؟ در پاسخ به این سوال می‌توان به نشست زیر اشاره کرد:

موضوع: مرجع صدور قرار رد دادخواست در مرحله واخواهی
پرسش: در پرونده مربوط به یک دعوای مالی حکم غیابی صادر شده است و محکوم علیه غایب از این حکم واخواهی کرده است. حال به علت عدم پرداخت هزینه واخواهی، اخطاریه رفع نقص صادر شده است، اگر محکوم علیه واخواه در موعد مقرر اقدام به رفع نقص نکند، صدور قرار رد دادخواست بر عهده مدیر دفتر است یا دادگاه؟^۱

نظر هیئت عالی

نظر به اینکه به دادخواست واخواهی، در دادگاه صادرکننده حکم غیابی رسیدگی می‌شود و رسیدگی به دعوای واخواهی تابع مقررات رسیدگی به دادخواست نخستین است، تشریفات رسیدگی به واخواهی تابع مقررات مواد ۴۸ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی است. با این ترتیب چنانچه محکوم علیه غایب با ابلاغ اخطاریه رفع نقص، در موعد مقرر نسبت به رفع نقص و تکمیل دادخواست واخواهی اقدام نکند، مدیر دفتر دادگاه به تکلیف مقرر در مواد ۵۳ و ۵۴ قانون مزبور اقدام می‌نماید، قرار رد دادخواست صادره از ناحیه مدیر دفتر قابل

۱. برگزار شده توسط استان آذربایجان شرقی / شهر تبریز تاریخ برگزاری ۱۳۸۳/۰۵/۲۸.

مثبت در ظهر دادخواست، در مورخه تقدیم شده است. رابعاً و نهایتاً، با لحاظ مهلت قانونی جهت وخواهی (=بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی دادنامه) و مضمی بیش از سه ماه از تاریخ اطلاع وخواه از دادنامه وخواسته، دعوی وخواهی خارج از مهلت قانونی اقامه شده است. خامساً و مضافاً، وخواه ادله و مدارکی که دلالت بر عذر موجه وی در طرح دادخواست وخواهی خارج از مهلت قانونی باشد، ضم دادخواست نموده و به این دادگاه هم اعلام نموده است " بناءً علی هذا دادگاه با استناد به مقررات ذیل ماده ۳۰۶ قانون آئین دادرسی مدنی، قرار رد دادخواست وخواهی را صادر و اعلام می نماید. رأی صادره ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محکمه محترم تجدیدنظر استان کرمانشاه می باشد.٪

مبحث پنجم - نمونه قرار وخواهی خارج از مهلت

به تاریخ در وقت فوق العاده جلسه شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان کرمانشاه به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است، پرونده کلاسه ۹۹۰۰۶۹۵ تحت نظر است. ملاحظه می گردد، دادنامه اعسار وخواه از پرداخت هزینه وخواهی صادر و نهایتاً قطعی شده است، فلذا دادگاه با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده، با اعلام ختم رسیدگی، با استعانت از ذات اقدس احدیت (جل جلاله) و ذوات مطهره معصومین (علیهم السلام) و با تکیه بر وجدان و شرف بشرح زیر مبادرت به انشاء رأی می نماید.

رای دادگاه

پیرامون دادخواست وخواهی مطروحه توسط خانم به وکالت از وخواه آقای فرزند بطرفیت وخواننده آقای فرزند دائر به خواسته وخواهی از دادنامه شماره ۸۸۱-۹۸۰ مورخه صادره از این شعبه بشرح ستون خواسته و متن دادخواست وخواهی تقدیمی، دادگاه با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده و با این استدلال که " اولاً و توجهاً، دادنامه وخواسته در مورخه به وخواه آقای ابلاغ واقعی شده است فلذا ایشان در این تاریخ از دادنامه وخواسته، اطلاع داشته است. ثانیاً و تدقیقاً، دادخواست وخواهی

واصله، توجهاً به تاریخ مثبت در صدر دادخواست، در مورخه تقدیم شده است. ثالثاً و نهایتاً، با لحاظ مهلت قانونی جهت و اخواهی (=بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی دادنامه) و مضی بیش از یک سال از تاریخ اطلاع و اخواه از دادنامه و اخواسته، دعوی و اخواهی خارج از مهلت قانونی اقامه شده است. رابعاً و مضافاً، اخواه ادله و مدارکی که دلالت بر عذر موجه وی در طرح دادخواست و اخواهی خارج از مهلت قانونی باشد، ضم دادخواست ننموده و به این دادگاه هم اعلام ننموده است "بناءً علی هذا دادگاه با استناد به مقررات ذیل ماده ۳۰۶ قانون آئین دادرسی مدنی، قرار رد داخواست و اخواهی را صادر و اعلام می نماید. رأی صادره ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محکمه محترم تجدیدنظر استان کرمانشاه می باشد.

مبحث ششم - نمونه قرار و اخواهی خارج از مهلت و دادنامه خیلی قدیمی

دادگاه با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده، با اعلام ختم رسیدگی، با استعانت از ذات اقدس احدیت (جل جلاله) و ذوات مطهره معصومین (علیهم السلام) و با تکیه بر وجدان و شرف بشری زیر مبادرت به انشاء رأی می نماید.

رای دادگاه

پیرامون دادخواست و اخواهی آقای فرزند بطرفیت و اخوانده آقای فرزند دایر به خواسته و اخواهی از دادنامه شماره ۶۲ مورخه صادره از این شعبه (=که اخیراً با دستور شماره ۴۵۸-۹۹۰ برای آن اجرائیه مجدد صادر شده است) بشرح ستون خواسته و متن دادخواست و اخواهی تقدیمی، دادگاه با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده و با این استدلال که "اولاً و مستفاد از محتویات پرونده بشماره بایگانی ۹۹۰۰۵۴۸ این دادگاه، و اخواه سابقاً دادخواست اعسار خود را از پرداخت محکوم به موضوع دادنامه و اخواسته در مورخه ثبت نموده است و این دلالت بر این دارد که اخواه حداقل در این تاریخ از محتوای دادنامه و اخواسته اطلاع داشته است چه آنکه از لحاظ منطقی، اگر

ایشان از دادنامه معترض عنه اطلاعی نداشت، در خصوص محکوم به موضوع آن ادعای اعسار نمی کرد. ثانیاً و توجهاً به اطلاع وخواه از دادنامه وخواسته بشرح پیش گفته، تاریخ اطلاع ایشان از رای، تاریخ ابلاغ واقعی این دادنامه محسوب میگردد چه آنکه، آنچه در ابلاغ واقعی دادنامه به محکوم علیه غایب موضوعیت دارد «اطلاع محکوم علیه از محتوای دادنامه غیابی» است و نه صرفاً ابلاغ واقعی دادنامه به وی، کما اینکه ابلاغ واقعی اجرائیه هم حمل بر علم و اطلاع محکوم علیه از دادنامه غیابی میگردد. ثالثاً و تدقیقاً، دادخواست وخواهی واصله، توجهاً به تاریخ مثبت در صدر دادخواست، در مورخه تقدیم شده است. رابعاً و نهایتاً، با لحاظ مهلت قانونی جهت وخواهی (=بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی دادنامه) و مزی بیش از دو ماه از تاریخ اطلاع وخواه از دادنامه وخواسته، دعوی وخواهی خارج از مهلت قانونی اقامه شده است. خامساً و مضافاً، وخواه ادله و مدارکی که دلالت بر عذر موجه وی در طرح دادخواست وخواهی خارج از مهلت قانونی باشد، ضم دادخواست ننموده و به این دادگاه هم اعلام ننموده است " بناءً علی هذا دادگاه با استناد به مقررات ذیل ماده ۳۰۶ قانون آئین دادرسی مدنی، قرار رد دادخواست وخواهی را صادر و اعلام می نماید. رأی صادره ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محکمه محترم تجدیدنظر استان کرمانشاه می باشد.

مبحث هفتم - نمونه قرار وخواهی و نقض دادنامه وخواسته و صدور گزارش اصلاحی

به تاریخ جلسه شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی کرمانشاه به تصدی امضاءکننده ذیل در وقت فوق العاده تشکیل است. پرونده کلاسه ۹۹۰۰۹۲۰ تحت نظر قرار دارد. اوراق و محتویات آن مطالعه و بررسی گردید. دادگاه با التفات به جمیع اوراق و محتویات پرونده و اعلام ختم دادرسی، با استعانت از ذات اقدس احدیت (جل جلاله) و ذوات مطهره معصومین (علیهم السلام) و با تکیه بر وجدان و شرف بشرح زیر مبادرت به انشاء رأی می نماید.

رای دادگاه

در مورد واخواهی آقای فرزند بطرفیت واخوانده آقای فرزند دائر به خواسته واخواهی از دادنامه شماره ۵۲۶ - ۹۹۰ مورخه صادره از این دادگاه که حسب مفاد آن، واخواه به پرداخت مبلغ ریال به انضمام کلیه خسارات دادرسی در حق واخوانده محکوم شده است. با التفات به اینکه طرفین پرونده، دعوی خود از طریق سازش و با شرایط ذیل حل و فصل نمودند؛

۱. آقای مبلغ ریال به آقای پرداخت نماید.

۲. طرفین از هزینه‌های دادرسی که بابت این پرونده پرداخت کردند، صرف نظر نمودند.

بناءً علی هذا دادگاه نظر به مراتب فوق و مستنداً به مقررات مواد ۱۷۸، ۱۸۲ و ۱۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی با لحاظ مقررات مواد ۳۰۵ و ۳۰۸ همان قانون، ضمن فسخ دادنامه معترض عنه، بشرح پیش گفته مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید. گزارش اصلاحی صادره وفق ماده ۱۸۴ قانون صدرالذکر نسبت به طرفین پرونده و قائم مقام قانونی آنها نافذ و معتبر بوده و مانند احکام دادگاهها به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

مبحث هشتم - نمونه قرار واخواهی؛ عدم پذیرش ناشی از مقررات شهرداری

به تاریخ جلسه شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی کرمانشاه به تصدی امضاءکننده ذیل در وقت فوق‌العاده تشکیل است. پرونده کلاسه ۹۹۰۰۵۸۰ تحت نظر قرار دارد. دادگاه با التفات به جمیع اوراق و محتویات پرونده و اعلام ختم دادرسی، با استعانت از ذات اقدس احدیت (جل جلاله) و ذوات مطهره معصومین (علیهم السلام) و با تکیه بر وجدان و شرف بشرح زیر مبادرت به انشاء رأی می‌نماید.

مبحث سی و دوم: نمونه رای: قرار رد تجدیدنظر خواهی بلحاظ قابل تجدیدنظر نبودن دستور فروش

پرونده کلاسه ۱۴۰۰۲۸۹۲۰۰۰۳۷۹۵۴۴ شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر دادگستری کل استان همدان تصمیم نهایی شماره ۱۴۰۱۲۸۳۹۰۰۰۴۱۶۷۲۸ تجدید نظر خواهان:

۱. خانم فرزند ۲. خانم فرزند ۳. خانم فرزند
 با وکالت آقای فرزند به نشانی
 تجدید نظر خواندگان:

۱. خانم فرزند به نشانی
۲. خانم فرزند به نشانی
۳. خانم فرزند به نشانی
۴. آقای فرزند به نشانی
۵. آقای فرزند به نشانی

تجدیدنظر خواسته: دادنامه شماره ۱۴۰۰/۹۴۳۴/شعبه اول بخش فیروزان گردشکار: پس از ابلاغ رای و اعتراض به آن و وصول پرونده به این شعبه در وقت فوق العاده دادگاه با توجه به مفاد محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر وجدان و شرف پس از مشاوره و تبادل نظر بین اعضاء هیئت قضایی دادگاه بشرح زیر مبادرت به اتخاذ رای می نماید .

رای دادگاه

در خصوص دادخواست تجدیدنظر خواهی خانم ها همگی با وکالت وکیل محترم آقای فرزند به طرفیت آقایان و خانمها نسبت به دادنامه شماره ۱۴۰۰۲۸۳۹۰۰۰۴۳۴۹۴۳۴ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۱ صادره از شعبه اول دادگاه عمومی بخش فیروزان (خزل) در پرونده بایگانی به کلاسه ۰۰۰۰۳۰۹ که بر اساس دادنامه مذکور در خصوص دادخواست تجدیدنظر خواهانها با وکالت وکیل یاد شده به طرفیت تجدیدنظر خواندگان و ایضا آقای فرزند بخواسته

دستور فروش ملک مشاع پلاک ۶۶ اصلی بخش سه حوزه ثبت ملک نهادند و مطالبه خسارت دادرسی با جلب نظر کارشناس با شرح، توصیف، مبانی و استدلال منعکس در دادنامه تجدیدنظرخواسته قرار عدم استماع دعوی تجدیدنظرخواهانها به عنوان خواهانهای مرحله نخستین صادر و اعلام گردیده است علی‌هذا دادگاه صرف نظر از اعتراضات و کیل تجدیدنظرخواهانها بشرح منضم در برگ‌های ۳۴ و ۳۵ پرونده و قطع نظر از اینکه دادنامه تجدیدنظرخواسته با رعایت اصول و ضوابط حاکم بر دادرسی مدنی و مقررات شرعی و قانونی صادر گردیده است یا خیر با عنایت به مطالعه جامع اوراق و محتویات پرونده و نظر به اینکه خواسته تجدیدنظرخواهانها بعنوان خواهانهای مرحله بدوی با امعان نظر به ستون خواسته دادخواست بدوی منضم در برگ ۷ پرونده دستور فروش ملک مشاع به انضمام مطالبه خسارات دادرسی با جلب نظر کارشناس بوده و نه حکم به فروش و اینکه خواسته صدور حکم به فروش با خواسته صدور دستور فروش کاملاً متفاوت از یکدیگر بوده زیرا که قلمرو شمول خواسته دستور فروش ناظر و حاکم به املاکی مشاعی بوده که جریان ثبتی آنها خاتمه یافته اعم از اینکه در دفتر املاک ثبت شده یا نشده باشد و مورد تقاضای افراز یک یا چند شریک قرار گیرد که در این صورت واحد ثبتی محل وقوع ملک که در آن حوزه واقع است نسبت به موضوع رسیدگی و رای مقتضی صادر می نماید و در صورتی که ملکی به موجب تصمیم قطعی غیر قابل اعتراض تشخیص شود با تقاضای هر یک از شرکا به دستور دادگاه شهرستان فروخته می شود که مواد ۱ و ۴ قانون افراز و فروش املاک مشاعی مصوب ۲۲/۸/۱۳۵۷ و مواد ۱ و ۹ آئین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاعی مصوب آذرماه سال ۱۳۵۷ نیز موید این موضوع بوده و با فرض اینکه در ماهیت امر نیز دستور فروش صادر گردد یا خیر و هرچند که در حال حاضر مطابق رویه قضایی در قالب و فرمت دادخواست از طریق طرح آن در دفاتر الکترونیک خدمات قضایی تقاضای صدور دستور فروش صورت می گیرد دارای ماهیت درخواست بوده و نه دعوی و اینکه در مورد درخواست دستور فروش نفیاً یا اثباتاً هر تصمیمی اتخاذ

گردد قطعی بوده و جزء آراء قابل تجدیدنظر نمی‌باشد که ماده ۳۳۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب سال ۷۹ قرارهای قابل تجدیدنظر را در صورتی که حکم راجع به اصل دعوی قابل درخواست تجدیدنظر باشد، قابل تجدیدنظر احصاء کرده است نیز مصدق و موید این امر بوده لذا با این وصف هر چند که با امعان نظر به دادنامه تجدیدنظر خواسته از سوی دادگاه بدوی قرار عدم استماع دعوی صادره قابل تجدیدنظر تعیین و اعلام گردیده لکن این امر به منزله قابل تجدیدنظر بودن قرار صادره در خصوص درخواست دستور موقت نمی‌باشد از این حیث با عنایت به مراتب مبانی و دلایل توجیهی صدرالذکر با اختیار حاصل از مواد ۳۵۶ و ۳۳۲ و ۲ قانون آئین دادرسی مدنی قرار رد تجدیدنظرخواهی تجدیدنظر خواهانها بعنوان خواهانهای مرحله بدوی صادر و اعلام می‌گردد. این رای قطعی است.

رئیس شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان همدان / رضا سلیمانی
مستشار شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان همدان / احمد قاسمی

مبحث سی و سوم: نمونه قرار رد و خواهی و خواه به جهت عدم طرح دادخواست و خواهی به طرفیت تمامی خواهانهای بدوی

پرونده کلاسه ۱۴۰۱۴۰۱۷/۱۴۰۰۲۸۹۲۰۰۰ شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر دادگستری کل استان همدان تصمیم نهایی شماره ۱۴۰۲۲۸۳۹۰۰۰۳۲۷۹۶۷۳
تجدید نظر خواهان:
۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶.
تجدیدنظر خوانده: آقای فرزند با وکالت آقای فرزند
..... به نشانی

تجدیدنظر خواسته: دادنامه شماره ۱۴۰۲/۱۸۵۳/شعبه ۹ حقوقی همدان
گردشکار: پس از ابلاغ رای و اعتراض به آن و وصول پرونده به این شعبه در وقت فوق العاده دادگاه با توجه به مفاد محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با

استعانت از خداوند متعال و تکیه بر وجدان و شرف پس از مشاوره و تبادل نظر بین
اعضاء هیئت قضایی دادگاه بشرح زیر مبادرت به اتخاذ رای می نماید .

رای دادگاه

در خصوص دادخواست تجدیدنظرخواهی آقای فرزند با وکالت
آقای فرزند بطرفیت آقایان و خانم‌ها ۱- ۲ ۳ ۴
..... ۴ ۵ ۶ (ردیف ۲ الی ۶ با وکالت انفرادی و اشتراکی آقایان
.....) نسبت به دادنامه شماره ۱۳۶۱۸۵۳/۱۴۰۲۲۸۳۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۹
صادر از شعبه ۹ دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان همدان در پرونده
بایگانی به کلاسه ۰۰۰۰۷۲۶ در آن قسمت از دادنامه که بر اساس آن در مورد
دادخواست واخواهی آقای بطرفیت آقای با شرح، توصیف، مبانی و
استدلال منعکس در دادنامه تجدیدنظرخواسته حکم بر تایید دادنامه واخواسته صادر
و اعلام گردیده است علیهذا دادگاه با عنایت به مطالعه جامع اوراق و محتویات
پرونده خصوصاً شرح دادخواست تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواه به شرح منعکس
در برگ ۲۴۴ پرونده و پاسخ تجدیدنظرخوانده بشرح منعکس در برگهای ۲۶۰ و
۲۶۱ پرونده همچنین مبانی استدلال مذکور در رای تجدیدنظرخواسته و نظر به اینکه
مفاد دادخواست تجدیدنظرخواهان عمدتاً همان مطالبی است که سابقاً در مرحله
بدوی مطرح و رسیدگی شده است و با توجه به نظریه کارشناسی مضبوط در پرونده
که با اوضاع و احوال محقق و مسلم کارشناسی مطابقت داشته و قابلیت متابعت از
سوی دادگاه را دارد و با توجه به اصل تجریدی بودن چک و نظر به اینکه چک
وسیله پرداخت دین می باشد و صادر کننده باید در زمان صدور چک وجه آن را در
بانک محال علیه تامین نماید و با عنایت به اینکه به محض صدور چک مبلغ مندرج
در آن از دارایی صادر کننده کسر و به دارنده تعلق می گیرد از طرفی چک در حکم
سند تجاری است و به محض صدور، چک اوصاف تجاری پیدا کرده و می توان از
مزایای حقوق تجارت استفاده کرد که یکی از آن مزایا استفاده از تاریخ چک است
که مانند اسناد تجاری از اعتبار خاص برخوردار می گردد و لذا مبداء محاسبه